

عنوان پادکست: در طلب خداوند

## در طلب خداوند - فیض (بخش ۲)

**نازی:** آیا برای شما این اتفاق افتاده که در عملی کردن زندگی مسیحی، خودتان را خسته و شکست خورده ببینید؟

**سابرینا:** مثلاً برای نمونه فرض کنید، من متن موجود در امثال فصل ۳۱ را می‌خوانم و می‌دانم که خدا می‌خواهد به عنوان یک زن مسیحی، یک همسر مسیحی و یک مادر مسیحی چطور رفتار کنم ... پر از روحیه‌ای مهمان نواز، فروتن، مهربان، ملایم و مطیع. ولی وقتی به خودم نگاه می‌کنم، می‌بینم که هیچ یک از این خصوصیات خداگونه در من وجود ندارد، پس تصمیم می‌گیرم آنها را در زندگی خود پیاده کنم. ولی در اکثر روزها می‌بینم که چقدر در انجام این موارد کم می‌آورم و شکست می‌خورم. بعد می‌خواهم فریاد بزنم که من از پس زندگی مسیحی بر نمی‌آیم. چقدر دلسرد کننده است. نه؟

ولی باید به شما بگویم که این مهمترین اکتشافی است که ممکن است در طول زندگیتان به آن رسیده باشید ... مهمترین اکتشاف، مهمترین نتیجه گیری.

**نازی:** دوستان عزیز با برنامه‌ای دیگر از پادکست «دل‌هایمان احیا کن» با صدای سابرینا اصلان، در خدمت شما شنوندگان گرامی هستیم.

تا به حال در طول چند هفته قبل، به نشانه‌های بیداری روحانی حقیقی از قبیل فروتنی، صداقت و توبه پرداختیم. شاید به نظر شما اینها همه خصوصیات بسیار عالی هستند. ولی مشکل، زمانی است که ما اراده خودمان را برای پیاده کردن این خصوصیات بسیار ضعیف می‌بینیم. اما موضوع اصلی این است که وجود و رشد فروتنی، صداقت و توبه، بیش از آنکه ارتباط با قدرت اراده شما داشته باشد، به قدرت فیض خدا در زندگی شما نیاز دارد. در این باره در برنامه امروز بیشتر خواهیم شنید.

**سابرینا:** چندی پیش از خانمی پیغامی دریافت کردم که با خواندن آن پیغام بسیار دردمند شدم. ولی متأسفانه داستان زندگی این زن، داستان بسیاری از دیگر ایمانداران امروز است.

این خانم می‌نویسد: "من زندگی دعایی بسیار غنی و فعالی دارم. به شبکه‌های مسیحی دائماً گوش می‌دهم. کتاب مقدس می‌خوانم. هر یکشنبه در کلیسا حاضر می‌شوم. خدمات زیادی انجام می‌دهم. سخاوتمندانه به دیگران و کار خدا کمک مالی می‌کنم. هر صبح که از خواب بلند می‌شوم به خدا می‌گویم که امروز حاضرم هر طور که شده، نام تو را جلال ده. متأسفانه با اینکه همیشه در حال انجام وظایف روحانی هستم، ولی همیشه این احساس تقصیر در من هست که هرچه می‌کنم هیچ وقت کافی نیست! هیچ وقت! هیچ وقت به اندازه کافی در مقابل گناه نمی‌ایستم ... به اندازه کافی دعا نمی‌کنم ... به اندازه کافی کلام خدا را نمی‌خوانم ... به اندازه کافی دیگران را محبت و خدمت نمی‌کنم و احساس رضایت کافی از خودم ندارم."

متأسفانه این طرز فکر بسیاری از ایمانداران امروز است. این نوع روش زندگی مسیحی، متأسفانه ما را به سبک زندگی‌ای که در کلام خدا به زندگی فریسی گونه معروف است، سوق خواهد داد. وقتی من و شما سعی می‌کنیم که زندگی مسیحی را با تلاش و کوشش خودمان به جلو ببریم، به فیض خدا پشت می‌کنیم و زندگی مسیحی مستقل از خدا خواهیم داشت که بر خودمان و اعمال و تلاش‌هایمان بنا شده است. این سبک زندگی از ما حتماً یک فریسی خواهد ساخت که مسیح آن را به زندگی‌ای تشبیه کرد که مثل قبر سفیدی است که از بیرون خیلی خوب و قشنگ به نظر می‌رسد، ولی درون آن پر از استخوان‌های مرده است. و چه بسا که این سبک زندگی مسیحی بسیاری از ما ایمانداران به مسیح است. چالش اصلی این زن این است که می‌خواهد زندگی مسیحی و معیارهای آن را با تلاش انسانی خودش پیاده کند. و این کاملاً غیر ممکن است.

بله من و شما با این معیارها در کلام خدا، در موعظه‌ها و درسها آشنا می‌شویم و به خود می‌گوییم می‌دانم که خدا انتظارش از من، این و آن است. مثلاً برای نمونه فرض کنید، من متن موجود در امثال فصل ۳۱ را می‌خوانم و می‌دانم که خدا می‌خواهد به عنوان یک زن مسیحی، یک همسر مسیحی و یک مادر مسیحی چطور رفتار کنم ... پر از روحیه‌ای مهمان نواز، فروتن، مهربان، ملایم و مطیع. ولی وقتی به خودم نگاه می‌کنم، می‌بینم که هیچ یک از این خصوصیات خداگونه در من وجود ندارد. پس تصمیم می‌گیرم آنها را در زندگی خود پیاده کنم. ولی در اکثر روزها می‌بینم که چقدر در انجام این موارد کم می‌آورم و شکست می‌خورم. بعد می‌خواهم فریاد بزنم که من از پس زندگی مسیحی بر نمی‌آیم. چقدر دلسرد کننده است. نه؟

ولی باید به شما بگویم که این مهمترین اکتشافی است که ممکن است در طول زندگیتان به آن رسیده باشید ... مهمترین اکتشاف، مهمترین نتیجه گیری.

من و شما باید به این نتیجه برسیم که ما قدرت نداریم که خدا را خشنود کنیم. و شاید اگر جمله دیگری به کار ببرم بهتر باشد: ما خارج از فیض خدا قدرت نداریم که خدا را خشنود کنیم. خارج از "فیض خدا" (یعنی این قدرت آسمانی که مثل هدیه به ما داده شده) ما هیچ نمی‌توانیم بکنیم. بلکه خارج از این فیض، ما هرگز، هرگز نمی‌توانیم زندگی مسیحی را زندگی کنیم.

برای درک بیشتر این موضوع بهتر است که به تصویری در کلام خدا مراجعه کنیم.

هرگاه که خدا گناهی را در کلام خود به ما نشان می‌دهد که ما باید از آن توبه کنیم، دو گزینه در پیش روی ما قرار دارد: (۱) کوه سینا و (۲) کوه جلیتا. وقتی خدا گناهی را به شما نشان می‌دهد، شما یا انتخاب می‌کنید که به کوه سینا بروید و یا به کوه جلیتا.

کوه سینا کجا بود؟ اگر به کتاب خروج فصل بیستم مراجعه کنیم، می‌بینیم که خدا شریعت یا ده فرمان را در آنجا به قوم داد. اگر به یاد داشته باشید، این صحنه‌ای فوق‌العاده پر جلال بود. مردم با دیدن رعد و برق و شنیدن آواز گُرنا از آسمان فوق‌العاده ترسیده بودند. آنها می‌دانستند که اگر کوه را لمس کنند، خواهند مُرد. کلام خدا نشان می‌دهد که مردم پس از دریافت ده فرمان، همگی از ترس به خود می‌لرزیدند. آنها می‌دانستند که قادر به اطاعت خدا نیستند، و در واقع پس از چند روز با ساختن گوساله‌ای طلایی و پرستش آن هم ثابت کردند که قدرت اطاعت از خدا را ندارند. آنها درست کمی بعد از دریافت ده فرمان، فرمان اول را که می‌گوید: «ترا خدایان غیر جز من نباشد» شکستند (آیه ۳).

ما ذاتاً از بدو تولد قانون شکن هستیم. وقتی که ما مرتکب گناهی می‌شویم، اگر به کوه سینا برویم، در واقع به مکانی رفته‌ایم که سعی می‌کنیم با کوشش و تلاش خودمان از فرمان خدا اطاعت کنیم. در حالی که مثل قوم خدا شکست خواهیم خورد. پس کوه سینا نشانه‌ای است از تلاش انسانی برای اطاعت از خدا ... تلاشی انسانی برای خشنود کردن خدا که طولی نخواهد کشید تا با شکست مواجه شود، درست همانطور که برای قوم اتفاق افتاد. کوه سینا نشانه‌ای از استقلال و تکبر انسان در حفظ قوانین خداست.

ولی کوه دیگری هم هست و آن کوه جلیتا است. کوه جلیتا مظهر مکانی است که مسیح همه کار را انجام داده است. و وقتی ما به کوه جلیتا می‌رویم، فروتنانه به خدا می‌گوییم: "من قدرت اطاعت از کلام و معیارهای تو را ندارم، من فقط ظرفیت قانون‌شکنی دارم و بدون فیض تو ناتوان، عاجز و بدون چاره هستم."

وقتی ما به کوه سینا، مکان تکبر انسانی، می‌رویم چه می‌کنیم؟ از خودمان دفاع می‌کنیم و به خاطر قانون شکنی و گناهی که انجام داده‌ایم، هزار جور عذر و بهانه می‌آوریم. سعی می‌کنیم دیگران را مقصر بدانیم. سعی می‌کنیم گناه را منطقی، عملی و عقلانی جلوه دهیم. سعی می‌کنیم خودمان را با دیگران مقایسه کنیم، تا با مقایسه با دیگران به این نتیجه برسیم که گناهی که من انجام می‌دهم در مقابل گناهی که دیگران می‌کنند خیلی ناچیز است. یا سعی می‌کنیم آن را یک اشتباه کوچولو و لُپی جلوه دهیم و حرف‌هایی بکار می‌بریم مثل اینکه حالا مگه چه کار کردم؟ آدم که نکشتم، زنا کاری که نکردم، فقط کمی در دلم شهوت یا فکرهای بد کردم.

روندگان به کوه سینا همیشه سعی می‌کنند گناه را ناچیز و بی اهمیت جلوه بدهند و آن را بیوشانند. از طرف دیگر رندگان به کوه سینا، افرادی هستند که حتی اگر متقاعد شوند که گناه کرده‌اند، برای جبران، دوباره به قدرت انسانی و تلاش انسانی متوسل می‌شوند. و به خودشان می‌گویند باید بیشتر سعی و تقلا کنم ... سعی و تقلا برای اینکه یک مادر کتاب مقدسی باشم ... سعی و تلاش برای اینکه یک همسر کتاب مقدسی باشم ... سعی و تلاش برای اینکه یک ایماندار مقدس و نمونه باشم. و ... غافل از اینکه من و شما به عنوان یک انسان، قدرت و ظرفیت

این کارها را نداریم. بلکه همسر کتاب مقدسی بودن، مادر کتاب مقدسی بودن، و زن کتاب مقدسی بودن، به خودی خود ایده آل و عالی است. و این باید هدف من و شما به عنوان یک زن ایماندار باشد، ولی اگر قدرت خدا که در اصطلاح کتاب مقدس "فیض" خداست، به کمکمان نشتابد، ما فقط یک ایماندار مستقل از خدا هستیم که در پای کوه سینا فقط شکست را تجربه می‌کنیم. و یا در تکبر فریسی گونه خودمان خواهیم پوسید. چرا؟ چون ما خارج از فیض خدا قادر به پیاده کردن زندگی مسیحی نیستیم.

کوه سینا محل تکبر یک انسان فریسی گونه است. آیا به یاد دارید که واکنش خدا نسبت به تکبر انسان چه بود؟ بلکه او با متکبران مقاومت و مخالفت می‌کند. او به آنها اعلام جنگ می‌کند، و این در حالی است که خود را فقط به فروتنان نشان می‌دهد. اگر خدا در قُطب مقابل ما باشد، وقتی او با ما مقاومت و مخالفت می‌کند و در جهت مخالف ما ایستاده است، ما از فیض خدا محروم هستیم. و وقتی فیض خدا را نداریم، هر چقدر هم که بخواهیم از خدا اطاعت کنیم، در واقع شکست می‌خوریم و در بی اطاعتی بیشتری می‌افتیم. به این ترتیب به گناه کردن ادامه می‌دهیم و دوباره بیشتر بی اطاعتی می‌کنیم. و بی اطاعتی و گناه بیشتر، ما را داغون تر می‌کند و شکست خورده تر می‌کند، و ما را در محکومیت، حس تقصیر، و در نتیجه اسارت فرو می‌برد. و بدین ترتیب، اسارت‌های زندگی ما، ما را به ترس و در نتیجه بردگی و یک زندگی مُرده رهنمون می‌کند. قوانین خدا همگی خوب هستند. ولی خدا قانون خود را داد تا به ما ثابت کند که ما قدرت نداریم که آن را نگه داریم. لب کلام این است که ما انسانها قدرت اطاعت از خدا را نداریم. ما با سعی و تلاش انسانی خودمان، هیچگاه قادر نخواهیم بود که حفظ کننده معیارهای خوب و مفید خدا باشیم. پس چه می‌کنیم؟ از خود روحیه فریسی گونه نشان می‌دهیم ... سعی و تلاش دائمی برای خوب جلوه دادن خودمان. غافل از اینکه دروناً استخوان مُرده، بی جان و بدون حیات هستیم. درست مثل قبری که از بیرون، سنگ قبر زیبا و درخشانی دارد ولی درون آن متعفن و بی جان است.

حالا اگر برعکس به جای واکنش مستقلانه و متکبرانه کوه سینا به کوه جلجتا برویم، چه اتفاقی خواهد افتاد؟ کوه سینا جایی بود که قانون خدا داده شد و کوه جلجتا جایی بود که فیض خدا داده شد.

وقتی که خدا گناه ما را نشان می‌دهد، اگر به کوه جلجتا برویم و خود را فروتن کنیم، و در آنجا نسبت به خودمان، عادت‌هایمان و گناهانمان با خدا هم نظر شویم، خواهیم دید که خدا در آن جا هدیه‌ای برای ما حاضر کرده که فیض نام دارد. وقتی که ما با خدا هم نظر می‌شویم، با چشم خدا به گناه نگاه می‌کنیم. وقتی دیگران را در گناهمان مسبب و مقصر نمی‌دانیم، وقتی عذر و بهانه نمی‌آوریم، وقتی سعی بر پوشاندن و موجه جلوه دادن نداریم، وقتی که به الزام روح القدس با فروتنی واکنش نشان می‌دهیم، در آنجا خدا به ما فیض می‌بخشد. همان قدرت الهی که ما را توان می‌بخشد که بر پا خیزیم و خدا را اطاعت کنیم.

در کوه جلجتا ما دیگر ترسی نداریم که با من واقعی‌مان روبرو شویم. در آنجاست که به خدا می‌گوییم: "بله خداوند، تو راست می‌گویی! من خودخواهم، من روحیه سرکش دارم، من روحیه اطاعت از قدرت‌هایی که تو در زندگی‌م قرار داده‌ای ندارم، در من محبت نیست، این و آن را نمی‌توانم محبت کنم و دوست داشته باشم. محبت

کردن شوهرم برایم سخت است. عصبانی نشدن از بچه‌ها برایم سخت و دشوار است. خداوندا، بر من رحم کن!  
محتاج تو هستم."

ممکن است شما بگویید: ولی این خیلی دلسرد کننده است که من دائماً بپذیرم که گناهکارم.

ولی راستش این برعکس است. این تنها امید من و شما است. چون جلجتا برای گناهکاران است. فیض خدا برای گناهکاران فروتن است. گناهکار فروتن چه می‌کند؟ همیشه با خدا درباره گناهش هم نظر می‌شود، و آن را با فروتنی اعتراف می‌کند. و خدا در مقابل این گناهکار فروتن چه واکنشی نشان می‌دهد؟ به او فیض می‌بخشد. همان ثروت بی قیاس و بدون محدودیتی که در مسیح به ایمانداران به فراوانی داده شده است.

فیض خدا چه می‌کند؟ فیلیپیان فصل دوم به پاسخ این سوال می‌پردازد:

فیلیپیان ۲: ۱۳ می‌گوید: «زیرا خداست که با عمل نیرومند خود هم تصمیم و هم قدرت انجام آنچه را که خشنودش می‌سازد در شما پدید می‌آورد.»

فیض، عمل نیرومند خداست که در ما هم تصمیم، یعنی اراده و علاقه برای اطاعت از اوامر خدا و خشنود کردن او بوجود می‌آورد و هم قدرت انجام آنچه که خدا را خشنود می‌کند را به ما می‌بخشد. پس فیض یعنی قدرتی که در ما هم تصمیم و هم قدرت اطاعت از خدا ایجاد می‌کند. و این نکته بسیار مهم و حیاتی در زندگی مسیحی است.

فیض خدا نیروی کاملاً فوق طبیعی است که در ما ایمانداران توسط روح القدس قرار داده شده است و مرا توانایی می‌بخشد تا هم **بخواهم** اراده خدا را انجام دهم و هم **قدرت انجام آن** را داشته باشم. یعنی هم علاقه داشته باشم از معیارهای خدا اطاعت کنم و نه فقط علاقه داشته باشم بلکه **قدرت عملی کردن آن‌ها** را هم در زندگی عملاً داشته باشم. و این یعنی فیض.

بنابراین، بدون فیض خدا ما در خودمان اصلاً علاقه به اطاعت از خدا نخواهیم داشت. ما ممکن است که به این نتیجه برسیم که داریم مرتکب گناه خاصی می‌شویم، ولی بدون فیض خدا هیچگاه علاقمند و مصمم به ترک آن گناه و انجام اراده خدا نخواهیم بود. بدون فیض خدا ما ترجیح می‌دهیم که از علایق نفس و جسم خودمان تبعیت کنیم، نه آنچه که باعث خشنودی روح القدس می‌شود. ولی وقتی که با فروتنی و از صمیم قلب در حضور خدا به گناهان خودمان اعتراف می‌کنیم و با چشم خدا به گناه نگاه می‌کنیم، در مقابل این فروتنی، خدا به ما فیض می‌بخشد. و این فیض یواش یواش علاقه ما را از آن گناه کم می‌کند و در ما نسبت به خدا و معیارهای او تمایل ایجاد می‌کند.

گاهی ما واقعا تمایل به اطاعت از معیارهای خدا داریم، ولی قدرت آن را نداریم. در واقع می‌خواهیم اطاعت کنیم ولی نمی‌توانیم. می‌خواهیم عصبانی نشوم ... می‌خواهیم محبت کنم ... می‌خواهیم ببخشم ... می‌خواهیم به شهواتم

جواب منفی دهم ... می‌خواهم زبان تشویق کننده و بنا کننده داشته باشم ... می‌خواهم پول پرست نباشم ... بالاخره صدها می‌خواهم دیگر که همگی علاقه به اطاعت از خدا هستند ولی مشکل اصلی این است که نمی‌توانم. می‌خواهم، ولی نمی‌توانم! و پاسخ این معضل را فیض خدا می‌دهد. چون فیض خدا قدرت نیرومند و بدون محدودیتی است که هم اراده و خواسته‌های ما را تغییر می‌دهد و هم قدرت عملی کردن اراده خدا را به ما می‌دهد. از شکست نترسیم و با جرات اطاعت کنیم. خدا در همان حین اطاعت، ما را با این قدرت نیرومند خودش بوسیله روح القدس تقویت خواهد کرد تا در عمل اطاعت کنیم. پاسخ این است که فروتنانه تن به اطاعت دهیم. چون خدا به وسیله روح القدس به ما فیض می‌دهد. و فیض یعنی قدرت فوق طبیعی خدا برای اطاعت.

کلام خدا در دوم پطرس ۱: ۳ می‌گوید: «قدرت الاهی او هر آنچه را که برای حیات و دینداری نیاز داریم بر ما ارزانی داشته است». ترجمه تفسیری کتاب مقدس این آیه را اینچنین می‌نویسد: «او همچنین با قدرت عظیمش، هر چه که برای یک زندگي خداپسندانه نیاز داریم، به ما داده است.»

بله فیض خدا توانایی‌ای به ما بخشیده که باید از آن استفاده کنیم. به طور اختصار: فیض یعنی قدرت و توانایی اطاعت از خدا. وقتی ما اطاعت می‌کنیم، اطاعت ما برکت، آزادی، حیات و شفا از اسارتها را با خودش به همراه می‌آورد و زندگی ما تبدیل پیدا می‌کند. تبدیلی که ما را شبیه مسیح می‌کند، نه شبیه یک فریسی که زندگی‌اش از بیرون مثل سنگ قبر سفید است ولی از درون، بی جان مثل استخوانهای مرده!

بنابراین، وقتی خدا گناه شما را به شما نشان می‌دهد، به کجا پناه می‌برید؟ به کوه سینا؟ یا به کوه جلعتا؟ به کوه سینا یعنی به تکبر و مقاومت، به تلاش انسانی، به انجام مراسم مذهبی، به پوشاندن گناه و وانمود کردن به اینکه اتفاقی نیفتاده و وجود گناه در زندگی من آنقدرها هم بغرنج نیست؟ به کجا پناه می‌برید؟ به کوه سینا و تلاشهای خودتان یا به کوه جلعتا و فیض نیرومند و فوق طبیعی خدا؟

در اینجا می‌خواهم به نکته دیگری هم اشاره کنم. ما نه فقط در زمانهای ملزم شدن به گناه، محتاج به فیض خدا هستیم، بلکه وقتی که در شرایط و اوضاع دشوار قرار می‌گیریم ... وقتی که در وضعیتی هستیم که قدرت رویارویی با مشکلات و اداره مسائل از ما سلب شده ... شرایطی که ماورای کنترل ما در حال اتفاق افتادن هستند ... وقتی خدا اجازه می‌دهد تا ما در شرایط ناخواسته و دشواری بیفتیم که خارج از کنترل ما هستند، دوباره ممکن است ما دو نوع واکنش نشان دهیم: واکنش متکبرانه و یا واکنش فروتنانه. وقتی که ما با تکبر عکس‌العمل نشان می‌دهیم، می‌خواهیم خودمان زمام امور او را به دست گیریم، بر خودمان و عقل خودمان تکیه کنیم و با تلاش و حکمت انسانی این گره را بگشاییم ... روحیه‌ای خودکفا که می‌خواهد یا با قدرت خودش شرایط را فیکس کند و یا هر طور شده خود را از آن شرایط خلاص کند و رهایی بخشد. این چنین شخصی اصلاً به حاکمیت خدا بر اوضاع اعتماد نمی‌کند. او خودش را لایق چیزی بهتر می‌داند، و نه رنج و دردی که در آن گیر کرده است. و بنابراین شخصی است که اصلاً روحیه شکرگزار ندارد، بلکه از وجود این اوضاع و شرایط بسیار شاکي و خشمگین است و زبان به غرغر و شکایت باز می‌کند. چرا؟ چون بخاطر تکبرش، خودش را لایق شرایطی بهتر می‌داند. وقتی که

من و شما اینطور واکنش متکبرانه از خود نشان می‌دهیم، خدا در مقابل تکبر ما مقاومت نشان می‌دهد و فیض خود را یعنی آن نیروی مافوق طبیعی برای تحمل شرایط را در زندگی ما جاری نمی‌کند.

گاهی ما بخاطر تکبرمان نمی‌خواهیم دست خدا را در زندگی‌مان ببینیم. به خودمان می‌گوییم که اگر این بچه‌ها بچه‌های من نبودند، اگر این شوهر را نداشتیم، اگر ازدواج نکرده بودم، اگر این پدر و مادر را نداشتیم و ... این عکس‌العمل‌ها را نشان نمی‌دادم. در حالی که نه بچه‌ها، و نه شوهر، نه ازدواج یا مجرد، نه والدین، نه کسانی که با آنها زندگی می‌کنیم و نه همکاران ما سرکار، مشکل اصلی هستند، بلکه خود ما به خاطر غرور و تکبرمان فیض لازم در برخورد با این مسائل را نداریم.

این چنین واکنشی، واکنش طبیعی نفس ما در مقابل دشواری‌ها و شرایط نامطلوب و اوضاع ناخواسته است. و همه ما عادت داریم که این طور عکس‌العمل نشان دهیم.

ولی واکنش دیگری هم هست که نفس و ذات انسانی ما هیچ وقت قادر نیست آن را نشان دهد. و آن زمانی است که ما دوباره خودمان را زیر دست زور آور خدا و حکمت بی انتهای او فروتن می‌کنیم. این واکنشی است که پس از ایمان آوردن به مسیح، ما باید آن را یاد بگیریم و تمرین کنیم.

وقتی ما خود را در مقابل خدا فروتن می‌کنیم، در واقع نیاز خود را به او اعلام می‌کنیم و به جای توکل نمودن بر خودمان از او طلب کمک می‌کنیم. **فروتنی یعنی گفتن این مطلب به خدا که بدون تو نمی‌توانم.**

فیض در واقع مثل آمبولانسی است که در زمان اورژانس، در زمانی که ما درمانده هستیم و نیاز مبرم به کمک داریم، به سوی ما می‌شتابد ... آمبولانسی که خدا بلافاصله آن را برای کمک ما می‌فرستد.

ولی این آمبولانس زمانی به کمک ما خواهد آمد که ما تلفن اورژانس را بگیریم و درخواست کمک کنیم. وقتی که ما خود را فروتن می‌کنیم، وقتی که فروتنانه اعتراف می‌کنیم که خداوند بدون تو نمی‌توانم، خداوند به کمک ما می‌آید. او با قدرتی فوق از قدرت و حکمت انسانی ما به کمک ما می‌آید و به ما فیض می‌دهد. چگونه؟ او در شرایطی که در آن هستیم ما را کمک می‌کند و نیرو می‌دهد تا در آن اوضاع و شرایط، **هم بخوایم** که واکنش صحیح نشان دهیم و **هم قدرت** داشته باشیم که واکنشی را که خدا می‌خواهد از خود نشان دهیم. فیض خدا به ما نشان می‌دهد که ما با اتکا به قدرت خودمان از پس مسائل بر نخواهیم آمد. ولی همراه با او و توسط او پیروزمندانه از این شرایط سخت عبور خواهیم کرد. گاهی ما احساس می‌کنیم که هر دقیقه و هر آن به این آمبولانس الهی نیازمندیم. راستش این دیدگاهی است که یک ایماندار باید همواره نسبت به زندگی خود داشته باشد. هر چقدر که یک ایماندار به مسیح، در ایمان خود رشد می‌کند، خود را نیازمندتر و وابسته تر به خدا می‌بیند ... وضعیتی که در آن خود را لحظه به لحظه محتاج به فیض خدا می‌بیند.

معمولاً ما انسان‌ها شرایط نیازمندی را وضعیتی خوب نمی‌دانیم ... وضعیتی دشوار و گاهی ترسناک که اصلاً دوست نداریم در آن بسر ببریم. ولی هر چیزی که ما را به خدا نیازمند می‌کند، با همه ترس و دشواری‌اش می‌تواند

برای ما بهترین باشد چون در آن مجبور می‌شویم بر خدا اتکا کنیم. و اینجاست که او فیض یعنی آن نیروی فوق طبیعی خود را به ما عطا می‌کند.

پس خواهر عزیزم، اگر در وضعیتی هستی که عاجزانه به کمک خدا نیاز داری و خودت از پس آن بر نمی‌آیی، در نظر خدا تو در بهترین وضعیت هستی! چون این فرصتی است که فروتنانه به خدا رو کنی تا او تو را از فیض بی‌مانند خودش پر کند.

سالها پیش من دعا کردم و گفتم: "خداوندا هیچ وقت نگذار من در وضعیتی قرار بگیرم که فکر کنم می‌توانم بدون تو، تو را خدمت کنم." و راستش را بخواهید، این یکی از دعاهایی است که او وفادارانه به آن جواب داده است. او همیشه اجازه داده تا در موقعیت‌های خدمتی‌ای قرار بگیرم که اصلاً بدون فیض او امکان ادامه نداشته باشم. موقعیت‌هایی که همیشه مجبور شده‌ام که به سوی خدا فریاد بزنم و بگویم: "خداوندا مرا دریاب! عاجزانه به تو محتاجم."

و همین جاست که آمبولانس الهی پر از فیض خدا به دادم رسیده است. فیضی که مثل یک لباس سفارشی‌ای که خیاط، آن را مخصوص ما دوخته باشد، بر حسب نیاز آن وقت، برای شخص خاص ما، و بر حسب شخصیت ما، و به اسم ما توسط خدا بسته بندی شده و برای کمک ما فرستاده می‌شود.

پس اگر در شرایطی هستی که دیگر نمی‌توانی ادامه بدهی، درست است ... واقعاً تو نمیتوانی! ولی خدا با فیض نیرومندش در تو می‌تواند. این فیض سفارشی، مخصوص شخص تو آماده شده است. فقط لازم است که خود را زیر دست زورآور خدا فروتن کنی و به او بگویی، خداوندا به تو نیاز دارم. خودم به تنهایی نمی‌توانم.

اگر مثلاً با شوهرت دوباره بگو مگو کرده‌ای و احساس می‌کنی که دیگر نمی‌توانی به او احترام بگذاری و او را دوست داشته باشی ... **بله درست است تو نمی‌توانی** ... اما خدا در تو می‌تواند. اگر در شرایط دشوار بیماری یا بی پولی گیر کرده‌ای و واقعا نمی‌دانی چه باید بکنی و قادر نیستی ادامه بدهی، خود را زیر دست‌های زورآور او فروتن کن و او فیض و نیروی لازمی را که تو فاقد آن هستی به تو خواهد بخشید. پولس هم گفت: «قوت هر چیز را دارم.» هر چیز غیر ممکن. ولی چگونه؟ با قدرت خودم؟ خیر. این آیه می‌گوید: «قوت هر چیز را دارم در مسیح که مرا تقویت می‌بخشد.» و این یعنی فیض.

او فیض مخصوص هر شرایط و هر وضعیت زندگی شما را در اختیار دارد. هیچ شرایطی نیست که او نتواند در آن به شما نیرو و حکمت لازم را ببخشد. مسیح در وسط آن وضعیت ایستاده تا من و شما را از فیض لازم و کافی و بسنده خود مستفیض کند.

بله خواهر عزیزم، در هر وضعیتی که هستی، فیض خدا توسط مسیح در دسترس تو است. فیض خدا برای تو خواهری که در ازدواجت با مشکلات مواجه هستی، در دسترس است ... برای تویی که عزیز خودت را از دست داده‌ای ... برای تویی که فرزندان در اعتیاد به سر می‌برد ... و بالاخره برای تویی که من از مشکلات اصلاً خبر



ندارم. ولی خدایی که از همه چیز و همه کس با خبر است، منتظر است که فروتنانه از او طلب فیض کنی. به او بگو که چقدر عاجزانه به او نیاز داری. به او بگو که از پس این موضوع بر نمی‌آیی. به او بگو که بدون او نمی‌توانی. و او تو را فیض خواهد بخشید. او ترا فیض خواهد بخشید، آن نیروی بی‌قیاس، نامحدود، عجیب و بی‌مانندی که فقط از دست مسیح به سوی ما فرستاده می‌شود. بله خدا با متکبران، با آنانی که بر خودشان به تلاشهای خود و توانایی‌های خود توکل می‌کنند، مقاومت می‌کند، اما فروتنان را فیض می‌بخشد.

**نازی:** شاید شما زنی هستید که در همین لحظه در شرایط و اوضاع دشواری به سر می‌برید که به فیض خدا یعنی این نیروی نامحدود، بی‌قیاس و بی‌مانند خدا نیاز دارید. در دعا فروتنانه به خداوند بگویید که چقدر محتاج او و فیضش هستید.

**سابرینا:** خواهر عزیز، امروز با چه مشکلاتی دست و پنجه نرم می‌کنی؟ بگذار که این اوضاع و شرایط دشوار، تو را به تخت پر فیض مسیح هدایت کند. می‌خواهم به تو بگویم که خدا همین امروز فیضی سفارشی مخصوص تو و برای شخصیت تو فراهم کرده است. او منتظر تو است که به سوی او بروی و از او فیض بطلبی ... "آه ای خداوند، در این وضعیت اورژانس، در حالی که اعتراف می‌کنیم که به تو نیاز داریم و بدون تو نمی‌توانیم، آمبولانس فیض خودت را بفرست و ما را در نیازمان ملاقات کن."

آنچه در این برنامه‌ها خدمت شما شنوندگان گرامی ارائه می‌شود، تعالیم نانسی دیماس و لگموت، با صدای فارسی سابرینا اصلان است که به سمع شما می‌رسد. ترجمه و تهیه این برنامه‌ها حاصل همکاری دو مؤسسه «دل‌هایمان احیا کن» و «راستی» می‌باشد.